

عنوان مقاله:

جلوه ی جمال الهی در آثار عرفای قرن ششم و هفتم

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسنده:

سمانه جعفری - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

بررسی دقیق آثار صوفیه در طول تاریخ معلوم می‌دارد، صوفیانی که حقیقت وجود را اراده ی خودآگاه یافتند یا آنان که حقیقت وجود را زیبایی شمردند یا گروهی که آن را معرفت یا نور نام نهادند، همه مکمل هم بوده‌اند و در هر دوره از تاریخ، رشد بیشتر افکارشان به تکامل عرفانی جمالگرا منجر شده است. البته بدیهی است که هیچیک از عرفا منکر وجود زیبایی حق نشده‌اند اما در این سیر تکاملی، جمال‌گرایی در قرن ششم و هفتم با ورود بزرگانی چون احمد غزالی، عین القضات، سهروردی و بهاء‌ولد در این میدان به اوج خود رسیده است. پژوهش حاضر کوشیده است تا به روش کتابخانه ای به بررسی عقاید عرفای نامبرده در باب جمال الهی بپردازد. نتیجه ی پژوهش نشان می‌دهد شباهت‌های بسیاری در توصیف ایشان از جمال الهی وجود دارد که مهمترین آن ارتباط جمال (زیبایی) و کمال است اما در جزئیات تفاوت‌هایی وجود دارد؛ غزالی به ارتباط زیبایی مجازی و حقیقی می‌پردازد و معتقد است هر نوع زیبایی محبوب و مطلوب است و لذتبخش بودن زیبایی، در همراهی زیبایی با کمال است. عین القضات فنای عارف و دریافت جمال الهی را با یکدیگر مرتبط دانسته و معتقد است با فنا در حق است که میتوان جمال حق را دریافت. اما سهروردی پا را فراتر گذاشته و کمال و جمال را لازم و ملزوم یکدیگر میدانند. در واقع وی نور صادر از نور الانور را جمال میدانند و نسبت بین خیر محض (کمال) و زیبایی را از شاخصه های زیبایی خداوند معرفی کرده است. در این میان نمود جمال حق در معارف بهاء‌ولد به گونه‌ای است که گویا اصلاً هدف او از نوشته هایش بیان زیبایی و جمال الله است که معشوق اوست. وی همچنین در اثر خود راه های رسیدن به زیبایی را نیز بیان کرده است.

کلمات کلیدی:

جمال، زیبایی خداوند، آثار عرفانی، قرن ششم و هفتم.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/924121>

